

رقابتهای منطقه ای اردوغان و جنگ علیه پناهجویان

بار دیگر رقابتهای جنگ ها میان قدرتهای بزرگ و منطقه ای زندگی میلیون ها نفر را در معرض خطر و معامله قرار داده است. هم اکنون هزاران پناهجو در پشت مرزهای یونان گرفتار آمده اند. از یک طرف ترکیه برای فشار بر اتحادیه اروپا مرزهای خود را باز کرده است و اذیت و آزار پناهجویان را افزایش داده است و تلاش می کند تا افکار عمومی را علیه پناهجویان برانگیزاند تا فشاری به پناهجویان باشد و ترکیه را ترک کنند و خود را به مرز یونان برای راهی شدن به اروپا، برسانند. از طرف دیگر یونان با گاز اشک آور و شلیک گلوله و باتوم به استقبال پناهجویان شتافته و مرزهای خود را بسته است. پناهجویان بصورت گروهی و یا فردی که در میان آنان خردسالان و کودکان دیده می شود مجبور شده اند که بدون هیچگونه امکانی هفته گذشته را در سرمای شدید بسر برند در حالیکه همگی از بی غذایی و کمبود آب آشامیدنی رنج می برند. در مقابل رفتار ماموران پلیس علیه پناهجویان وحشیانه تر می شود. و بر طبق گزارش ها تا بحال چند نفر زخمی و حداقل یک نفر کشته شده است

در حال حاضر در حدود سه و نیم میلیون پناهجوی سوری در ترکیه بسر می برند. جنگ اخیر میان ترکیه و سوریه در منطقه ادلب بیش از یک تا دو میلیون سوری را آواره کرده است. همچنین گزارش شده است که هم اکنون در حدود یک میلیون و پانصد هزار نفر از آوارگان سوری خود را به پشت مرزهای ترکیه رسانده اند. اما این مرز نیز بر روی پناهجویان بسته است

مردم سوریه در یک دهه گذشته اسیر جنگ خانماسوزی بوده اند که نزدیک به یک سوم جمعیت کشور را به خارج از مرزها در ترکیه، لبنان، اردن و مصر کشانده است. رسانه های غربی تلاش کرده اند که جنگ سوریه را یک جنگ داخلی و یا جنگ میان مردم و رژیم جلوه دهند. اما اگر چه در ابتدا مردم سوریه بودند که علیه رژیم بشار اسد به پا خواستند اما با سرازیر شدن قدرتهای جهانی و قدرتهای منطقه ای و نیروهای مختلف بنیادگرا عرصه جنگ بین مردم و رژیم مرتجع بشار اسد بسرعت تغییر کرد و سوریه به میدان تاخت و تاز رقابت های جهانی و منطقه ای مبدل شد. وحشیگری های بی سابقه و فجیعی علیه مردم از جانب همه طرف های درگیر صورت گرفت. از یک طرف نیروهای بنیاد گرای داعشی و القاعده و دولت های حامی آنها مثل ترکیه، عربستان و کشورهای غربی بودند و طرف دیگر رژیم اسد و حامیانش مثل جمهوری اسلامی و روسیه و حزب الله لبنان قرار داشت

ترکیه، رقابتهای منطقه ای و پناهجویان

پناهجویان در مرز ترکیه و یونان

جنگ اخیر میان نیروهای ترکیه و سوریه اینگونه آغاز شد که نیروهای اسلام گرایی که مورد حمایت ترکیه قرار دارند، در استان ادلب تنها استانی که حضور دارند، در روز ۲۷ فوریه یکی از شهرهای شمال این استان را به نام سراقب که از اهمیت استراتژیک برخوردار است با کمک نیروهای نظامی ترکیه تصرف کردند. روسیه حضور نیروهای نظامی ترکیه در این منطقه را مخالف قرارداد قبلی بین خود و ترکیه در سال ۲۰۱۸ قلمداد کرد و به همین دلیل به سوریه کمک کرد که به این منطقه حمله کند. سوریه با حملات هوایی خود مواضع نیروهای اسلام گرای مورد حمایت ترکیه را هدف قرار داد و ۳۳ نیروی نظامی ترکیه کشته شدند و تعداد کشته های ترکیه را از آغاز سال میلادی به ۴۹ نفر رساند. اردوغان نشان داده است که یکی از عوامل اصلی ایجاد جنگ و بی ثباتی در سوریه است. در حدود یک دهه بسیاری از قدرتهای جهانی همچون روسیه، آمریکا و اتحادیه اروپا و همچنین قدرتهای منطقه ای مثل جمهوری اسلامی ایران، عربستان و ترکیه بطور مستقیم و یا با ارسال کمک های مالی و نظامی به حمایت از رژیم بشار اسد و یا از نیروهای اپوزیسیون جهادی سوریه پرداخته اند. نتیجه این دخالت های نظامی باعث کشته شدن چند صد هزار نفر (تخمین زده می شود بین ۴۰۰ تا ۵۰۰ هزار نفر) و آواره گی بیش از ۱۳ میلیون نفر یعنی نیمی از جمعیت سوریه شده است. اما بعد از یک دهه جنگ و خونریزی و رقابت های وحشیانه که هزینه اصلی آن را مردم تحت ستم این منطقه با جان و زندگی خود پرداختند بالاخره رژیم بشار اسد با حمایت روسیه و ایران بر سر کار ماند. و ظاهرا و یا موقتا اتحادیه اروپا و آمریکا بر سر موقعیت کنونی با روسیه به توافق رسیدند. اما به نظر می رسد اردوغان که انتظار داشت کنترل سوریه و یا حداقل بخش مهمی از آنرا به او اعطا کنند و یا بتواند حرف اول را در سوریه بزند از این توافقات راضی نیست و پیوسته در تلاش است همین ثبات نسبی و شکننده را که با بند بست بین قدرتهای جهانی و منطقه ای بدست آمده است را با قلدری و بهانه های مختلف بر هم زند. در پاییز امسال اردوغان با چراغ سبز آمریکا، حملات وحشیانه ای را علیه روزاوا –

کردستان سوریه – آغاز کرد که هزاران نفر کشته و چند صد هزار نفر مجبور به ترک محل و مکانی شدند که نسل ها در آنجا زندگی می کردند و این چنین به ایجاد جنگ در سوریه و بی ثباتی در منطقه دامن زد. ترکیه از همان ابتدای جنگ سوریه با اتکاء به نیروهای جهادی و بنیادگرا که از اعوان انصار داعش و القاعده می باشند سعی کرده است که جای پای در سوریه حاصل کند. در جنگ اخیر به دفاع از نیروهای مرتجع بنیادگرا برخاسته و نیروهای نظامی عظیمی را به آنجا گسیل کرده است. فاکتوری را که ترکیه در این جنگ هایش در نظر نگرفته است، اینکه روسیه در یک رویارویی با قدرتهای جهانی آماده بود که برای حفظ کنترل و نفوذ خود در سوریه و حفظ رژیم بشار اسد تا جایی که در توان دارد تلاش کند و علیرغم فشار نیروهای غربی و منطقه ای حاضر به عقب نشینی نشد. در نهایت بالاخره با توافقات و یا بند و بست معین و پشت پرده ای عملاً کنترل سوریه به روسیه واگذار شد و بشار اسد بر سر قدرت باقی ماند. هر چند که روشن است قدرتهای غربی ممکن است که با ناراضایتی و یا بصورت موقتی به این توافق تن داده باشند.

در چنین شرایطی است که ترکیه اعلام می کند که ” توان تحمل یک موج جدید مهاجرت را ندارد و بار مشکلات پناهجویان سوری را نمی تواند به تنهایی بکشد. ” به همین علت مرزهای خود را بسمت اتحادیه اروپا را باز کرده است. اردوغان تلاش می کند که این توافقات را بر هم بزند. اما روسیه به آسانی حاضر به عقب نشینی نیست. اردوغان خوب می داند که حملات سوریه به ادلب نه به تنهایی بلکه با حمایت و نقشه روسیه بوده است. و حمله به نیروهای ترکیه نیز عملاً با اشاره و هدایت روسیه صورت گرفته است. در نتیجه می خواهد که با زور و استفاده از ابزار پناهجویان اتحادیه اروپا را به میدان بکشاند و یا به حمایت از خود وارد. اما توافقات از قبل صورت گرفته است و به نظر نمی رسد که اتحادیه اروپا بخواهد در شرایط کنونی آنرا بر هم زند. بازی اردوغان برای بند بازی بین تضاد قدرتهای بزرگ ناشیانه و همراه با قلدری است که به نظر می رسد نتایج دلخواه اردوغان را به همراه نداشته است.

اما اردوغان اگر چه نتوانست که اتحادیه اروپا را به جنگ بکشاند اما توانست به یک فاجعه پناجویی دیگر دامن زند. ممکن است که کشورهای اروپایی و یا سازمان ملل آنرا یک بحران به حساب نیاورد اما یک تا دومیون انسان مجبور به ترک محل زندگی خود شده اند که اکثریت آن زنان و کودکان هستند. و جان بسیاری در معرض خطر است. بسیاری در زیر درختان پناه گرفته و یا به ساختمان های متروکه پناه برده اند. اما بقیه هیچ سرپناهی ندارند و در سرمای شدید زمستان از بی غذایی و امکانات گرمایی و یا دارو محرومند.

جنگ طلبی های و توسعه طلبی های اردوغان و بقیه قدرتهای منطقه ای و جهانی باعث جنگ در سوریه شده است و میلیونها نفر از مردم سوریه را آواره کرده است. در نتیجه رژیم ترکیه از عوامل بوجود آوردن جنگ در منطقه و در نتیجه بحران پناجویی در منطقه و بخصوص در سوریه بوده است.

مرز ترکیه – یونان

از طرف دیگر ترکیه پناهجویانی را که در خاک ترکیه هستند بزور بسمت مرز یونان می راند و از طریق تبلیغات رسانه های اصلی مردم را بر علیه پناهجویان بر می انگیزد و پناهجویان سوری و همچنین بقیه پناهجویان از جمله پناهجویان افغانستانی و ایرانی زیر فشار فوق العاده ای از جانب پلیس و همچنین افرادی که از احزاب حاکم طرفداری می کنند، می باشند. پناهجویان مجبورند که در انتظار عمومی حتی الامکان ظاهر نشوند. بطور مثال در روز هشت مارس عده ای از پناهجویان زن ایرانی طرفدار کارزار زنان که تلاش داشتند روز زن را برگزار کنند، مورد تعقیب پلیس قرار گرفتند و تعدادی بازداشت شدند که مورد سوال و تهدید قرار گرفتند. حتی این حرکت تبعیض گرانه و فاشیستی پلیس ترکیه مورد اعتراض کسانی که در محل حضور داشتند و از فعالین زن ترکیه نیز بودن قرار نگرفت.

شمار پناهجویانی که به مرز ترکیه – یونان رانده شده و یا به میل خود به آنجا رفته اند به گفته مقامات ترکیه بیش از ۸۰ هزار نفر هستند. پناهجویان در سر مرز با خشونت کم سابقه ای از جانب پلیس ضد شورش یونان روبرو شدند. گاز اشک آور، ضرب و شتم با باتوم، لخت کردن و به داخل آب انداختن از جمله پذیرایی هابیست که پلیس یونان از پناهجویان به عمل آورده است. عده ای از پناهجویان هم تلاش می کنند که از طریق مرز بلغارستان ترکیه را ترک کنند. برخی برای رهایی یافتن از این اوضاع دل به دریا می زنند و با قایق های بادی که تهیه کرده اند از راه دریا به طرف یونان سرازیر شده اند. پلیس یونان سابقه برخوردهای فاشیستی با پناهجویان را دارد. بطور مثال در اواخر ژانویه گزارشی که با تصویرهای ویدئویی تایید می شد نشان می داد که نیروی دریایی یونان باعث واژگون شدن یک قایق کوچک ماهیگیری که حامل ۲۸ پناهجو در نزدیکی جزیره فارمکونسی بود شد و در نتیجه ۱۱ تن از پناهجویان غرق شدند. یکی از نجات یافتگان که اهل سوریه بود به خبرنگاران گفت که در حالیکه تلاش می کرد یک کودک خردسال را از آب نجات دهد با خشم و لگد پلیس روبرو شد که باعث شد این کودک دوباره به دریا بیفتد و غرق شود.

پناهجویان و جزیر لسبوس

پناهجویان در جزیره لسبوس در اعتراض به شرایط اردوگاه

یکی از مناطق ورود پناهجویان به یونان جزیره لسبوس است. پناهجویان از طریق استان "چاناق قلعه" با قایق خود را به این جزیره می‌رسانند. در این جزیره حدود بیست هزار پناهجو در اردوگاهی که برای سه هزار نفر ساخته شده جای داده شده‌اند. این پناهجویان در شرایط بسیار نامناسبی از لحاظ بهداشتی، و کمبود امکانات زندگی می‌کنند. تراکم جمعیت و دیوارهای بلند و سیم‌های خاردار همراه با حضور سنگین پلیس و نیروهای امنیتی، صف‌های طولانی دوش و دستشویی، اردوگاه‌ها را به زندان مبدل کرده است. در ابتدا قرار بود پناهجویان بصورت موقتی تا هنگام رسیدگی به وضعیت پناهندگی‌شان در این اردوگاه بمانند اما برخی همراه با خانواده و کودکان خود چند سال است که در آنجا اقامت دارند. تعداد بسیاری پناهجویان از افغانستان و ایران در این اردوگاه می‌باشند و در حالت بلا تکلیفی بسر می‌برند. در چند روز پیش یک قایق که 54 پناهجوی افغان در آن بود در سواحل جزیره لسبوس از آب گرفته شد. علاوه بر لسبوس پناهجویان در دو جزیره دیگر به نام‌های خیوس و ساموس نیز اسکان داده شده‌اند. که در مجموع در حدود ۴۲ هزار پناهجو در این سه جزیره مستقرند در حالی‌که ظرفیت این اردوگاه‌ها حداکثر هشت هزار نفر است. حتی کمیسار عالی آژانس پناهندگان سازمان ملل وضعیت این اردوگاه‌ها را "شرم‌آور و تکان‌دهنده خواند".

پلیس ضد شورش در اردوگاه لسبوس برای مقابله با پناهجویان

اما پناهجویان لسبوس با مشکل دیگری نیز روبرو شده‌اند. و آن اعتراض برخی از ساکنین به وجود پناهجویان در این جزایر است. که تا بحال چندین تظاهرات در اعتراض به حضور پناهجویان برگزار کرده‌اند. آخرین آنها در ۲۶ فوریه برگزار شد که در آن دهها نفر از معترضین و افسران پلیس زخمی شدند. برخی از گروه‌های دست راستی در سازماندهی این تظاهرات‌ها علیه پناهجویان نقش دارند که از نگرانی و ناخشنودی ساکنین سوء استفاده می‌کنند. اما در مقابل هفته گذشته تظاهرات بزرگی به حمایت از پناهجویان و بر علیه سیاست‌های پناهجو- ستیزی یونان و اتحادیه اروپا در شهر مرزی تسالونیک به خیابانها آمدند، و شعار دادند که "ما برای دنیایی آزاد و برابر با تمام قدرت مبارزه می‌کنیم." و همچنین فریاد زدند "ننگ و نفرت بر حاکمان سرمایه که دنیا را به لجن کشانده‌اند".

قدرتهایی که با دخالتها و جنگ‌های اشغال‌گرانه و ستم‌گرانه خود عامل آوارگی میلیون‌ها نفر از مردم کشورهای جهان و خاورمیانه شده‌اند حالا یا خود را کنار کشیده‌اند و یا با زندگی آنها بازی می‌کنند، آنها را به ابزار رقابتها و اهرم فشار خود مبدل کرده‌اند. این نتیجه عملکرد جهانی نظام طبقاتی است. مرزهای میان کشورهای تفاوت‌ها بر مبنای ملیت و نژاد، جنسیت و مذهب تنها بهانه‌هایی است در دست طبقات حاکم، برای تحمیل بخشی از مردم و سرکوب بخشی دیگر. واقعیات نشان داده که معضل پناهجویی و آوارگی در چنین نظامهایی پایان نخواهد یافت اما با از میان برداشتن طبقات، مرزها نیز از میان خواهند رفت. آنگاه تنها در چنین جهانی است که سخنی از آوارگی و جنایات علیه آنها نخواهد بود.

فرهاد کیان

۹ مارس ۲۰۲۰

Web site: www.ri-awwb.org

email: awwb.pm@gmail.com

Facebook: [facebook.com/riawwb](https://www.facebook.com/riawwb)